



## تیتراژ امروز

کارخانهای، یامین پور، رنجبر و تعداد دیگری از کاندیداها به نفع ائتلاف اصولگرایان انصراف دادند

نهضت انصراف  
برای ائتلاف بزرگ

صفحه ۲

نقدی‌نگی در دولت یازدهم ۹۳ درصد رشد کرد

جهش ۴۵۸ هزار  
میلیاردی نقدی‌نگی

کارشناسان می‌گویند میزان نقدی‌نگی به زودی به هزار هزار میلیارد تومان می‌رسد

صفحه ۲

چه کسانی دنبال برتقال فروش می‌گردند؟

میوه‌های قاچاق  
با کانتینر می‌آید!

صفحه ۳

درخواست عجیب اماراتی‌ها که از سوی AFC رد شد

با نیروهای مسلح  
به ایران برویم!

صفحه ۱۴

ترامپ خطوط قرمز امنیتی آمریکا را رد کرد

بوش، مقصر  
۱۱ سپتامبر بود

صفحه ۱۵

## بازتاب

آرش برهانی، هاشمی، سید حسن و دیگران پاسخ به یک تحریف رسانه‌ای مضحک

حسین قدهانی

در روزهای اخیر تعدادی از سایت‌های وابسته به یک جریان خاص از آنجا که جواب شایسته‌ای به نکته اول یادداشت «ملت ایران سمت خدا ایستاده» مورخ ۲۴ بهمن ۹۴ درباره محل

اطلاقی صفت «علامه» نداشته‌اند، با انتخاب تنها چند خط از آن نکته با نیت تحریف، این نتیجه مضحک را برای مخاطبان خود منعکس کرده‌اند که از نظر «وطن امروز»، عکس انداختن با فلان بازیکن، دلیل علامه نبودن فلانی است! در همین زمینه خبرگزاری دانشگاه آزاد تیتتر زده است: «روزنامه وطن امروز: سید حسن علامه نیست چون با همه فوتبالیست‌ها حتی آرش برهانی هم عکس یادگاری دارد!» و نوشته است: «پوسنده روزنامه «وطن امروز» در یادداشت امروز خود در توضیحه عجیب در رد علامه خواندن یادگار امام(ره)، گرفتن عکس یادگاری با آرش برهانی، فوتبالیست استقلال و ابراز علاقه نسبت به بازی «فلان بازیگر» را دلیلی بر علامه نداشتن سیدحسن خمینی دانست! «سایت انتخاب وابسته به هاشمی رفسنجانی نیز تیتتر زده: «ملت علامه نبودن سید حسن خمینی مشخص شد: گرفتن عکس یادگاری با آرش برهانی!» و آفتاب‌نیوز دیگر سایت وابسته به همین ترتیب همان بخش قطع شده توسط خبرگزاری دانشگاه آزاد را با نتیجه مضحک باب میل خود آورده است. در ادامه برای روشن شدن میزان قطع و تحریف صورت گرفته توسط این سایت‌ها، نکته اول یادداشت مورد اشاره «وطن امروز» را بخوانید:

«دوشنبه هفته گذشته در برنامه خوب «سمت خدا» موضوع بحث، اهمیت وقت بود. کارشناسی که از شاگردان علامه مطابقتی بود، خاطراتی از ایشان تعریف کرد: علامه دستنویس یک کتاب را که شاید نزدیک ۱۰۰۰ صفحه می‌شد، برای تایپ به ما دادند لیکن وقتی به کلمات و جملات نگاه کردیم، دیدیم هیچ نقطه‌ای در کار نیست! مثلا همین «قطعه» را بدون نقطه‌های «ون» و «فاف» نوشته بودند! علت را از ایشان جویا شدیم که فرمودند: «من حساب کردم دیدم اگر بخوایم نقطه کلمات را هم بگذاریم، برای هر صفحه باید حدود ۳ یا ۲ دقیقه وقت بیشتر صرف کند اما ترجیح دادم این زحمت را شما بکشید!»

ادامه در صفحه ۵

## اظهارات تکان دهنده علیرضا زاکانی درباره ابعاد مسائل اقتصادی برخی مدیران دولتی

## فریدون در کشور چه می‌کند؟

صفحه ۲



م.رحمانی

قلم طلایی کیست آقای معاونت مطبوعاتی؟

**روزنامه داعش را از روزنامه‌فروشی‌ها بخواهید!**

نگاه  
محمدرضا کردلو: گاهی در میان مکالمات در شبکه‌های اجتماعی حرف‌هایی رد و بسدل می‌شود که بی «حکمت» نیست. یکی پرسید: اوپاما بدتر است یا «آمریکادوستان داخلی»؟ و دیگری جواب داد: «اینطور نمی‌شود نظر داد اما می‌شود گفت تا «آمریکادوستان داخلی» نباشند، اوپاما سبزی چند است که بخواهد برای ایران نقشه بکشد. اگر کسی از داخل گرا ندهد، دشمن نمی‌تواند دشمنی کند. می‌خواهد اما نمی‌تواند. با این تحلیل باید بیشتر از آمریکایی‌های داخلی خوف داشت!»

دارم فکر می‌کنم اگر رسانه‌های وهابیت و آل سعود که این روزها به خاطر شکست‌های پیاپی در سوریه، عراق، لبنان و یمن، کینه سیاه در سینه دارند، بخواهند به فرزندان انقلاب توهین کنند، اینطور که «روزنامه پارانگیز» از دولت» توهین کرده، هتاک می‌کنند؟ اگر حامیان داعش بخواهند توهین کنند، اینطور که روزنامه اصلاح‌طلب توهین کرده می‌کنند؟ اگر رادیو آمریکا و رادیو اسرائیل بخواهند توهین کنند، مانند این نشریه می‌نویسند؟ توهین جریان اصلاح‌طلب به فرزندان انقلاب بی‌سابقه نیست. مگر نبود سایت منتسب به معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد که تا توانست به سپاه پاسداران حمله کرد؟ مگر علیجناب همزمان و همصدا با رادیو اسرائیل علیه بشمار اسد و خط مقاومت در سوریه سخنانی نکرده؟ مگر روزنامه فتنه همین جنسی پیش تیتتر بی‌بی‌سی را برای شهادت سردار حسین همدانی انتخاب نکرد؟ نمی‌خواهم همه چیز را به سال ۸۸ بازگردانم اما به سال ۸۸ بازمی‌گردم. «سه غزه، نه لبنان» را اگر بخواهند نسخه نوادچهارش را رونمایی کنند، جز مقاله توهین‌آمیز روزنامه هتاک است؟ آدم‌خوارهای فتنه‌گر که لباس سرسبز نیروی انتظامی را از تن درآوردند، با میگلرد بر سر جوان بسیجی کوبیدند، جانباز دفاع مقدس را که سال‌ها برای این آب و خاک در جبهه جهاد کرده بود، با مشت و لگد تا سر حد شهادت پیش بردند، در روز عاشورا به امام حسین(ع) و اولاد زهر(اس) بی‌حرمتی کردند و خیمه عزای اباعبدالله(ع) را به آتش کشیدند، داعشی‌اند یا فرزندان انقلاب که داعش را زمینگیر کرده‌اند؟

دین به کنار، انقلابی‌گری به کنار، کسی اگر وطن پرست هم باشد می‌فهمد فرزندان سپاهی انقلاب اگر در سوریه و عراق جهاد نکنند باید در پشت دروازه تهران در مقابل داعشی‌ها ایستاد که البته مردم «مرگ بر آمریکا» و مردم روز تشییع شهدای غواص که به «آمریکایی‌ها» نه گفتند حواسشان هست. خدا کند الباقی که خواب آمریکا

را می‌بینند، بیدار شوند. مردم حواسشان هست که یک خط در میان تصویر حاج‌قاسم را برای هم می‌فرستند. مردم حواسشان هست که در اولین ۲۲ بهمن پس‌سراب‌مرگ بر آمریکا» را بلندتر از همیشه فریاد کردند. ضدانقلاب دید و شنید این شعارها را اما همین روزنامه‌هایی که اول کلام مرزشان با اوپاما را شرح داد، ندیدند و نشنیدند. فریاد فریاد را شنیدند که بعد از ۲۲ بهمن «مرگ بر آمریکا» طرف استیکار را گرفتند!

جریان مقابل امام(ره) که در روزنامه پارانگیز از دولت، علیه سپاه- این یادگار امام عزیز- مطلب می‌نویسند و حرف‌های داعش را به روز رسانی می‌کنند، یادش بیاید که در سی‌مهمدی هاشمی معدوم، امین آیت‌الله مرجع اصلاح‌طلبان، مگر روی داعش را سفید نکرد؟ در یاد روزنامه مبلغ صدق و بازرگان می‌آورم: مگر منافقین-فرزندان عزیز آقای بازرگان- در همین خیابان‌های تهران روی داعش را سفید نکردند؟ تفاله جریان «سه غزه، نه لبنان» را که به سپاه حمله می‌کنند، که حمی داعشی‌های دهه ۶۰ را تبلیغ می‌کنند، که فتنه‌گران- این تکفیری‌های بدتر از داعش که مادر باردار را در خیابان‌های تهران در همین ۸۸ چادر از سر کشیدند- را تمجید می‌کنند به چه عنوانی باید خواند که حق مطلب ادا شود؟

«داعش» این روزها مهم‌ترین دشمن واقعی و فعالش را «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» می‌داند. روح خمینی عزیز شاد از این بغض تکفیری‌ها از سپاه رهبر حکیم، سرحال از اقتدار سپاه عزیز. تا کور شود هر آن که نتواند دید. این روزها هر که علیه سپاه و اقتداری که در خلیج فارس از خود نشان داد و تأییدی که از امام امت گرفت، بایدست، جز این است که «صدای داعش» است؟ مردم‌نشناس‌ها که نه روز تشییع شهدای غواص را دیدند، نه روز قدس را و نه ۲۲ بهمن را، اینقدر هم نمی‌فهمند که «صدای ملت»، «صدای داعش» نیست. حتی مدیران مطبوعاتی نمی‌دانند انگار که «روزنامه داعش» در میان مردم جایی ندارد که با سکوت و تشویق هر روز این روزنامه را روی دکه روزنامه‌فروشی‌های فرستند!

چند روز است حرف از قلم طلایی‌ها و شفافیت است. با این مقاله توهین‌آمیز روزنامه مورد علاقه دولت شفاف شد که داعشی کیست و وطنی کیست! قلم طلایی‌ها شفاف کردند ماجرا را! شفاف شد که چرا «وطن امروز» به خاطر عدم درج نام مدیرمسئول در چند شماره روزنامه به دادگاه می‌رود اما دولت برای توهین به سپاه که ضامن امنیت کشور است، خم به ابرو نمی‌آورد! همه چیز شفاف شد. شفاف بود، شفاف بود، شفاف بود.

**روزنه**  
سخن گفتن مکرر رئیس‌جمهور محترم از «برجام» تنها یک جنجال جدید در زمره جنجال‌های قبلی مانند جنجال ردصلاحیت‌ها و حرب‌های تازه برای سرگرم کردن ذهنان ملت و منحرف کردن افکار مردم از آثار اقتصادی «برجام» ۱» به شمار می‌آید. «برجام» صرفاً سیاسی‌سازی افکار عمومی برای فرار از پاسخگویی درباره وضعیت اقتصادی کشور است و هیچ‌گونه کاربرد دیگری ندارد!

جناب آقای روحانی و دولت‌مدیرانش بهتر و بیشتر از هر کسی می‌دانند «برجام» ۱» با آن همه هزینه‌های سنگینی که ملت و مملکت به‌خاطر آن پرداخت کرد، از جمله بر کردن قلب راکتور اراک با سیمان و برچیدن هزاران سانتی‌متر فیبری و تعلیق غنی‌سازی ۲۰ درصد و محدود کردن تحقیق و توسعه و هزینه‌های سنگین دیگری از این دست، کوچک‌ترین و کمترین تأثیری در اقتصاد کشور و رفع مشکلات معیشتی مردم ندارد! به همین دلیل است که دولتی‌ها خود را به فراموشی و آلزایمر سیاسی زده‌اند و دغدغه هر مساله‌ای را دارند غیر از معیشت مردم!

به همین جهت است که روحانی و همکارانش در دولت یازدهم که قبل از برجام، همه مشکلات عالم بشریت از جمله «مشکل جیب مردم، اشتغال، رونق اقتصادی، رفاه اجتماعی، معضل محیط غذایی، مشکل بانک‌ها، خرید گندم و مواد غذایی، مشکل سرمایه‌گذاری، ساخت سد، تأمین آب کشاورزی، دارو، مشکل تجهیزات پزشکی بیمارستان‌ها و حتی آب خوردن و نان مردم» را به تحریم‌ها گره زدند و رفع و حل همه این مشکلات را به توافق هسته‌ای و برجام موکل و مشروط کردند، امروز پس از برجام، به روی مبارک خود هم نمی‌آورند که چه وعده‌هایی به مردم داده‌اند و مردم چه توقعات و مطالباتی از دولت دارند!

در همین راستاست که روحانی در پاسخ به مطالبه به حق مردم برای تأمین رفاه ملت در پس‌سراب می‌گوید: «مگر ما برجام را آوردیم؟ برجام را خدا آورد!» و با این حرف سعی می‌کند از زیر بار مسؤلیت تأمین رفاه اقتصادی و اجتماعی ملت در دوران پس‌سراب‌مرگ و پست‌تحریم که اگر وظیفه ذاتی دولت نباشد- که هست- حداقل وعده‌ای است که به مردم داده است، شانه خالی کند و با زبان بی‌زبانی به همگان می‌گوید رفاه را از دولت نخواهید، از خدا بخواهید! در واقع این نگاه توحیدی آقای روحانی نه از باب توحید که به‌واسطه ناکارآمدی دولتی است! این جمله جناب دکتر عراقچی که «نباید از برجام توقع ششکوفایی اقتصاد داشته باشیم» و

ادامه در صفحه ۵

## یادداشت امروز

## تاجران برجام

مهدی محمدی

به پرسش از اینکه چرا معامله هسته‌ای در سیاست خارجی نه نقدا وضع مردم را بهتر کرده و نه دستکم دورنمایی از بهبود پیش روی آنها قرار داده، طیفی از پاسخ‌ها می‌توان داد.

پاسخ استاندارد در دولت آقای روحانی این است که اساساً توافق هسته‌ای قرار نبوده بهبود اقتصادی ایجاد کند و در بهترین حالت، این توافق غل و زنجیرهایی را که به دست و پای اقتصاد کشور بسته شده بود، باز کرده است. این موضع بدان معناست که نه فقط باید اظهارات گذشته دولت درباره مسائلی همچون «وابسته بودن آب خوردن مردم به رفع تحریم‌ها» و «ایجاد گشایش فوری و عظیم اقتصادی پس از توافق» را غیرصادقانه بدانیم، بلکه علاوه بر آن، باید درباره ارزش‌های واقعی یک توافق با غرب، از حیث تأثیری که می‌توانست بر اقتصاد کشور بگذارد نیز تردید کنیم. ضمن اینکه متاسفانه دولت خود را در موضعی قرار داده است که اگر هم غربی‌ها غل و زنجیری از دست و پای اقتصاد ایران باز نکنند و عملاً تحریمی هم تعلیق نشود، مجالی برای اعتراض نخواهد داشت و به دلیل گره زدن سرنویشت سیاسی خویش به این توافق، خود به خود به سمت نوعی «لاپوشانی اتوماتیک» سوق داده خواهد شد.

پاسخ دوم به این سوال از منظر راهبردی آمریکا درباره ایران، به مساله می‌نگرد. آمریکایی‌ها از مدت‌ها قبل از نیایی شدن توافق این موضوع را شفاف کردند که از نظر آنها توافق هسته‌ای قرار نیست به گشایش چشمگیر اقتصادی در ایران منجر شود، چرا که اولاً این توافق یک توافق کامل نیست و بخش‌های بزرگی از تحریم‌ها همچنان نه فقط باقی می‌ماند بلکه با جدیت بیشتری هم اجرا خواهد شد و ثانیاً، اساساً دید آمریکا گشایش اقتصادی برای ایران بیش از یک حد معین خطرناک است، چرا که می‌تواند در ایران شده و انگیزه‌های پایبندی به توافق آن را تضعیف کند. بنابراین از دید آمریکایی‌ها و از منظر راهبردی، رفاه اقتصادی در ایران گروگان توافق هسته‌ای است تا هم ایران بدان متعهد بماند و هم اینکه امکان امتیازگیری از ایران در سایر حوزه‌ها فراهم شود. درست به همین دلیل است که آمریکایی‌ها نه از رفاه و گشایش، بلکه از «شیرین‌سازی» اقتصادی در ایران سخن می‌گویند. شیرین‌سازی سبب و نمایشی از گشایش است که بدون آنکه کارکرد واقعی و ماندگاری داشته باشد صرفاً محاسبات مسؤولان را کنترل کرده و ذهن مردم را شرطی می‌کند تا گام‌های بعدی انطور که غربی‌ها می‌خواهند برداشته شود. پاسخ دیگر به آن سوال، کمی داخلی‌تر است.

در اینجا بحث بر سر این است که تعلیق نصفه و نیمه تحریم‌ها می‌تواند به بهبود در وضعیت اقتصادی و معیشتی کشور منجر شود یا لااقل به آن کمک کند به شرط اینکه اولاً برنامه‌ای برای تبدیل توافق به رفاه وجود داشته باشد و ثانیاً تیمی در کار باشد که بتواند آن برنامه را اجرا کرده و در بازه‌های زمانی مناسب از آن نتایج ملموس بگیرد. در حالی که حتی آمریکایی‌ها هم می‌گویند که در این مقطع خاص که گشایش‌های نسبی حاصل شده، بهترین استراتژی برای ایران اقتصاد مقاومتی است و تنها این استراتژی است که می‌تواند تولید را رونق داده و اشتغال را بهبود ببخشد. غربگرایان چندان علاقه‌ای به اجرای یک برنامه مقاومتی از خود نشان نمی‌دهند. امروز به اذعان کسانی چون «پاتریک کلاسون» که خود از طراحان استراتژی تحریم بوده، تنها راه تولید رفاه در ایران تزیق تفکر مقاومتی به ارکان تصمیم‌گیری اقتصادی است اما می‌بینیم غربگرایان همچنان از طراحی و اجرای برنامه‌ای که هدف اول آن استفاده از فرصت برای بیمه کردن کشور در مقابل فشارهایی باشد که بزودی از راه خواهد رسید، بشدت پرهیز می‌کنند.

ادامه در صفحه ۵